



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۴/۰۵

الله محمد

سه طوس

کسانیکه بازی فلاش را بلد هستند، می دانند که سه طوس را کسی برده نمی تواند، در صورتیکه کسیکه برایش سه طوس آمده انرا رخ ندهد. فعلاً به نظر من قراین و شواهد همین را نشان میدهد که برای افغانستان بعد از سالها باز سه طوس آمده و یا در صدد آمدن است، در صورتیکه درست شناسایی گردد و مانند سابق رخ داده نشود. سه طوس به انواع مختلف ممکن بیاید و نه باید حتماً سه دانه طوس خالص باشد. فعلاً سه طوس افغانستان حکومت، طالبان و گروپ سیاسیون کشور مشهور به مسکو میباشد. هر گاه بازی کنان این سه طوس واقعاً منافع ملی افغانستان را در نظر داشته باشند، که یکی ان اتحاد و همبستگی همه ما میباشد، برنده بازی همه ما و حتی همه جهان میباشد. هر یک از این سه طوس ها باید در تخته شطرنج ملی، منطقی و بین المللی از یک قسمتی از تقاضاهای نا معقول به اساس بحث و مباحثه منطقی، گذشت کنند و نقاط زیادی را که با هم در آن مشارکت دارند با هم گره های محکم تاریخی زده از آن یک ریسمان قوی برای ملت افغانستان و خود شان درست کنند تا خود را در بلند ترین قلعه های انکشاف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رسانیده و مصدر خدمتی با منابع مالی که در زیر پای ما خوابیده برای خود، همسایه گان و جهان شده بتوانیم.

مهمترین بازیکنان میدان فلاش، امریکا با مصرف پول زیاد میباشد و زمانیکه این بازیکن در هر حالت خواهان صلح در افغانستان، مخصوصاً از نگاه اقتصادی شده باشد، باید این چانس بزرگ را شناسایی نموده و هر چی زودتر با درایت سیاسی از آن استفاده گردد. تا جاییکه من عقب پرده ادبیات همه بازیکنان میدان فلاش مانند سر منشی سازمان ناتو، ریس جمهور امریکا، نماینده امریکا برای افغانستان و غیره را، نگاه کرده می توانم، انها خواهان یک افغانستان مستقل و آزاد اما از نگاه استراتژی اقتصادی محکم گره خورده با غرب مانند بسیاری از کشور ها مانند امارات عربی و غیره، میباشد. باید در نظر داشت که جهان غرب و شرق به آن مفهوم سابق معنی خود را از دست داده و امروز حتی چین را می توان سمبولیک جهان غرب با سیاست اقتصادی نوین آن دانست.

حالا مربوط به قدرت فکری و بلوغ سیاسی ما میباشد تا خود را از بندش های سیاسی و فکری غرب و شرق و جنوب و شمال آزاد نموده بدون اینکه روابط ما با انها مختل گردد بلکه قوی تر هم گردد، یعنی زنجیر های غلامی افکار خود را شکستاده، اما در خدمت همه در فضای آزاد باشیم و مانند دوست و همسایه به رفع مشکلات شان از راه معقول و حتی گذشت زیاد اقدام نماییم تا همه در پهلوی هم صلح امیز مانند اروپایان زندگی کنیم. به نظر من کنون این درایت را باید سیاستمداران افغانستان از خود نشان داده بتوانند تا متحدانه در اجماع بین الافغانی غرض آوردن صلح، امنیت، عدالت قضایی و اجتماعی، انکشاف اقتصادی سریع کشور با همکاری جامعه جهانی و همسایه گان به تفاهماتی اساسی برسند. هیچ کس نمی گوید که شوربای من ترش است و یا ترش بود اما واقعیت همین است که حکومت فعلی در مدت چهار سال نتوانست تشکیلات انتخابات شفاف را بدهد که یکی از اساسی ترین پایه های قانون اساسی کشور بود، و نتوانست بسا وعده های دیگر خود را به واقعیت تبدیل سازد. به همین ترتیب حکومت سابق هم با کمال تاسف توانایی انرا نداشت تا کمک های جامعه جهانی را به نفع منافع ملی کشور عملاً استفاده نموده و کشورهای امریکا و متحدین انرا به راه راست به نفع خودشان و غرب رهنمایی کنند.

کنون خوشبختانه صدای صلح با از بین رفتن صدها هزار انسان بیگناه و بی جای شدن صدها هزار فامیل در کشور در مدت همین ۱۸ سال، بلند شده و همه خواهان صلح هستند، منتها شیوه پیاده کردن آن مشکل اساسی را تشکیل میدهد. به نظر من کامیابی طالبان، حکومت و گروپ مسکو یعنی سه طوس ما در این است تا با هم اتحاد کنند و هیچ کدام شان به این فکر نباشند که مردم عاشق این و یا ان است. مردم افغانستان خواهان متحد شدن انها هستند تا در صلح و امنیت و رفاه اجتماعی و اقتصادی با همسایه گان و دیگر جهانیان به زندگی روزانه خود ادامه دهند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولئ

چنانچه در گذشته هم این را تذکر داده ام طالبان فعلاً بچه اصلی فلم هستند و باید رول خود را در سطح ملی، منطقوی و بین المللی درست بازی کرده بتوانند و دو پر دیگر سه طوس را هم در این کشتی شکسته در ساحل امن آورده و به ترمیم آن پردازند. بزرگترین قسمت های کشتی که باید ترمیم گردد، سوراخ های میبانشد که امنیت اساسی کشتی را در بحر طوفانی در آینده تامین کند و جلو کیسه بران و دزدان دریایی را که سر نشینان کشتی را به فغان آورده اند، بگیرند.

یک حکومت ملی که پشتیبان آن ملت باشد و به ملت خدمت کرده بتواند و ظرفیتهای علمی درست این ملت را بکار بگیرد، هیچگاه به ناتوانی متهم نخواهد شد. هر گاه حکومت چوکات اساسی پیشرفت یک کشور را طرح ریزی و توسط خود ملت با ایجاد کار انرا تطبیق نماید، همکاری ملت خود به خود به وجود میآید. این مردم اروپا است که به اساس قوانین نافذه حکومت های شان رفتار می نمایند که ضامن امنیت، نظم و رفاه اجتماعی شان شده است. مردم عادی اروپا طور مثال آلمان، ثروتمند نیستند و در طول عمر شان با زحمت و عرق ریزی روزانه، با افتخار نفقهء خود و فامیل خود را تامین می کنند و به قانون احترام می کنند. ما هم بسیار به خوبی می توانیم این کار را نماییم. جهان امروز بسیار سریع با پیشرفت تکنالوژی معلوماتی در تغیر است و ما می توانیم این تغیر را بیاوریم ، و تا ما خود را تغیر ندهیم، کسی دیگر ما را تغیر داده نمی تواند و هر گاه کسی دیگر هم بخواهد ما را بنام های مختلف تغیر دهد، نتایج انرا از مدت چهل سال به این طرف دیده ایم.

دراين چمن ز نشيب و فراز فهميدن
بهر گلی نرسد بوی راز فهمیدن

بیدل